

همراهی با  
اقتدارگرایی پوپولیستی

روز گذشته در کشور الجزایر انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد؛ انتخاباتی که ظاهراً از پیش تعیین شده بود اما پیچیدگی‌های یک چشم‌انداز سیاسی را آشکار کرد که توسط سرخوردگی عمومی پس از شکست جنبش هیراک شکل گرفته است. این اعتراضات مسالمت‌آمیز که در سال ۲۰۱۹ امیدها برای تجدید دموکراسی را دوباره زنده کرد، با فشار بر رئیس‌جمهور وقت، عبدالعزیز بوتفلیقه همراه بود که پس از ۲۰ سال حکومت استعفا دهد و به جانشین او، عبدالمجید تبون اجازه داد تا خود را به‌عنوان معمار آنچه «الجزایر جدید» می‌خواند، نشان دهد؛ رئیس‌جمهوری کارآمد و فعال که به فساد پایان می‌دهد و توزیع مجدد را ترویج می‌کند.

۵ سال بعد، شعار جدید تبون «برای الجزایر پیروز» یا وعده دور دوم براساس «ادامه دولت سوسال» تغییر پیدا کرد. این تلاش رئیس‌جمهور وقت برای تجدید قرارداد اجتماعی براساس وعده‌های پوپولیستی مبنی بر احیای اقتصاد نتولیرال یا کمبود اصلاحات سازمانی مورد نیاز برای دستیابی به این اهداف تلاقی پیدا کرده است.

اتلاف نامتجانسی از تبون حمایت می‌کند که شامل اعضای باقی‌مانده شبکه قدیمی بوتفلیقه، اشخاص نوظهوری که بر خلاهای باقی‌مانده از سقوط رژیم پیشین سرمایه‌گذاری می‌کنند، تکنوکرات‌هایی که به دنبال ثبات دولتی می‌گردند و بازیگران اقتصادی که با وعده اصلاحات و ادامه آن جذب شده‌اند. اعلام تبون برای نامزدی در انتخابات و تغییر چینش دولت به‌نفع حامیان او بیشتر به تلاش برای تنظیم دوباره توازن داخلی رژیم و کمتر به تمرکز کلاسیک قدرت مربوط است.

در مورد تشکیلات نظامی، تبون بی‌سروصدا رویکرد «کنترل از راه دور» را پیش گرفته که به او اجازه می‌دهد نمای بیرونی قدرت مردمی را حفظ کند و در عین حال نفوذ پشت پرده خود را نگه دارد. تبون که در ابتدا قرار بود راه‌حلی برای گذار از بحران هیراک باشد، کم‌کم خود را برای درازمدت تثبیت کرد. تبون برای استحکام موقعیت خود به‌عنوان «نامزد ارتش» چندین اصلاحیه قابل توجه در مورد نقش ارتش انجام داد. این اصلاحات گسترش «دفاع از منافع حیاتی و استراتژیک کشور، اعزام سربازان به خارج از کشور با تصویب پارلمان و تقویت نقش شورای امنیت عالی که ریاست آن را رئیس‌جمهور برعهده دارد» بود.

تبون برای کسب حمایت داخلی، از درآمد ناشی از افزایش صادرات گاز طبیعی پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ سود برد. با افزایش درآمدی که از ۳۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ به ۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید، هزینه‌های اجتماعی را افزایش داد، بدون آنکه مجبور شود بودجه نظامی را تغییر دهد یا اصلاحات اقتصادی دردناکی را اجرا کند. روایت اقتصادی رئیس‌جمهور الجزایر بر ترویج کارآفرینی و استارت‌آپ‌ها متمرکز شده و هدف آن تعریف دوباره روابط دولت-ملت از طریق منشور نتولیرال، اولویت‌بخشی بر ابتکار اقتصادی فردی بر سر حقوق و رفاه جمعی است. اما افزایش محدودیت‌ها بر حقوق اقتصادی الجزایری‌ها از سال ۲۰۱۹، از جمله محدودیت‌ها بر اصلاحات سندیکاها، محدودیت‌ها بر حق اعتصاب و محافظت‌های اجتماعی نامساعد، شکنندگی قرارداد اجتماعی تبون را نشان می‌دهد.

دور دوم ریاست‌جمهوری تبون ظاهراً توهمی از ثبات را ارائه می‌کند که حامی آن پوپولیسم اقتدارگراست که به دنبال حفظ قرارداد شکننده اجتماعی است و نمی‌توان به‌طور نامحدود آن را بر پایه‌های متزلزل تجدید کرد؛ به‌ویژه زمانی که براساس اقدامات موقتی است تا اصلاحات عمیق ساختاری. موضوعی که پادزهری برای خیزش‌های دوباره احتمالی از جنبش‌های اعتراضی تصور می‌شود، بیشتر نشان می‌دهد که بازسازی عجولانه سازوکار دولتی پس از بوتفلیقه، کلاژی از منافع و دیدگاه‌های متناقض ایجاد کرده است. موضوع نگران‌کننده‌تر این است که تمرکز بر ثبات کوتاه‌مدت مانع هرگونه بحث جدی درباره جانشینی ریاست‌جمهوری است؛ نگرانی مهمی که دلیل آن ۷۹ ساله بودن تبون است. در نهایت، بزرگترین چالش الجزایر، ظرفیت این کشور برای پیشی گرفتن از این الگوی کوتاه‌مدت حکمرانی است. بدون بازبینی قابل توجهی از قرارداد اجتماعی و شفافیت سیاسی، الجزایر ممکن است در تنگنایی گیر کند که راه‌حل‌های موقت امروزی فقط بحران‌های فردا را تشدید می‌کنند.



یاسمن طاهریان  
خبرنگار گروه بین‌الملل

گفت‌وگویی رهبران جهان با یکدیگر بسیار جذاب و شنیدنی است. حل مسائل جهان برای آنها به‌مشابه جابه‌جا کردن مهره‌های شطرنج است. آنها دیدگاه خداگونه‌ای دارند و از بالا به همه چیز نگاه می‌کنند. تونی بلر هم نسخه بریتانیایی همین رهبران جهان است. تعداد سیاستمداران بریتانیایی که در مقیاس جهانی یا پیچیده مثل بلر فکر می‌کنند، بسیار کم است. این همان دلیلی است که خواندن کتاب جدید بلر، «درباره رهبری: درس‌هایی برای قرن ۲۱» را جذاب می‌کند. اما این نکته را هم باید در نظر داشت که خواندن این کتاب برای رای‌دهندگان بریتانیایی می‌تواند یادآور دوران سخت و وحشتناک نخست‌وزیری بلر باشد. یکی از موضوعات مهمی که هیچ‌وقت حل نشده، جنگ عراق است. بلر در کتاب خود به‌صراحت توضیح می‌دهد که چگونه باید از تصمیم‌های اشتباه که براساس زیاده‌روی در آرمان‌گرایی و خیال‌پردازی گرفته می‌شوند، اجتناب کرد.

نظرها درباره تونی بلر به دو دسته تقسیم می‌شود؛ عده‌ای او را موفق‌ترین رهبر حزب کارگر در تاریخ بریتانیا می‌دانند که برنده سه‌دوره از انتخابات سراسری و ۱۰ سال رهبری بریتانیا بود و عده‌ای دیگر او را جنایتکار جنگی و سیاستمداری شرور خطاب می‌کنند. تیم استنلی، ستون‌نویس روزنامه تلگراف در گفت‌وگویی در کانال یوتیوب پادکست دیلی تلگراف می‌گوید شگفت‌انگیز خواندن بلر همانند شگفت‌انگیز خواندن مانو تسه‌توگ، سیاستمدار و نظریه‌پرداز مارکسیست چینی است که در دوران خود اقدامات مؤثری را انجام داد. هم بلر و هم مانو برای کشور خود کاری انجام دادند. استنلی معتقد است کتاب جدید بلر، خواندنی است اما مسئله اینجاست که مخاطبان او چه کسانی هستند؟ این کتاب درباره هدایت یک کشور است اما به‌طور مشخص درباره رهبری یک کشور یعنی بریتانیاست. پس به‌گفته استنلی مخاطبان این کتاب گروه کوچکی‌اند که علاقه دارند رهبری یک کشور را برعهده بگیرند. در نتیجه مخاطب اصلی نگارش این کتاب کی‌یر استارمر، رهبر حزب کارگر است که پس از تونی بلر اولین رهبری از این حزب است که به قدرت رسیده. زمان انتشار کتاب بلر از قبل برای همین ماه مشخص شده بود. اگر ریشی سوناک به جای برگزاری انتخابات زودهنگام در ماه جولای، آن را در ماه دسامبر برگزار می‌کرد، خواندن کتاب بلر به مخاطبان این فرصت را می‌داد تا درک کنند رهبری کی‌یر استارمر چگونه خواهد بود. اما این کتاب پس از انتخاب استارمر منتشر شد که حالا سه ماه از نخست‌وزیری‌اش گذشته است. به گفته استنلی پس این کتاب ضرورت خود را از دست داده و دیگر نقشه راه مورد نظر نیست. استارمر تاکنون با بسیاری از پیشنهادات بلر را انجام نداده یا از پیگیری برخی از موضوعات مورد نظر بلر دست کشیده است. بخش‌هایی از کتاب درباره اهمیت برخورد سخت‌گیرانه در برابر جرم و جنایت است. استارمر در برابر شورشیان سخت‌گیرانه عمل کرد اما برای زندانی کردن و ایجاد فضای خالی در زندان، خیلی‌های دیگر را آزاد کرد؛ موضوعی که احتمالاً بلر با آن موافق نخواهد بود.

بلر در گفت‌وگو با مارک لندلر، خبرنگار نیویورک‌تایمز در لندن می‌گوید، این کتاب به‌هیچ‌وجه متوجه استارمر نیست و اصرار دارد که هیچ مشاوره‌ای به او نمی‌دهد، اما سال گذشته زمانی که استارمر کمپین خود را آغاز کرد هر دو در کنار هم روی صحنه رفتند و در این سال برگزاری انتخابات در جهان، بلر برای هر رهبر تازه‌کاری که گوش کند، درس‌هایی دارد؛ درباره آشوب‌های ژئوپلیتیکی، خیزش پوپولیسم و اینکه باید با آمریکایی که از نظر سیاسی بی‌ثبات است چگونه رفتار کرد.

بلر می‌گوید: «به‌نظرم باید بگویم سیاست‌های آمریکا به‌شدت دودسته شده و در جایی، کاملاً ناکارآمد است. اما این اتفاق زمانی افتاده که آمریکا به‌دیدگاه من، به‌راحتی به‌عنوان قدرتمندترین کشور جهان ظهور کرده است.»

بلر در کتاب خود حدوداً یک صفحه را به موضوع جنگ عراق پرداخته و خیلی سریع از آن می‌گذرد. او اعتراف می‌کند که جنگ عراق تصمیم اشتباهی بود اما منظور از این اشتباه، اعتقاد به این باور بود که دموکراسی می‌تواند در جایی که پایه‌ریزی نشده، ریشه بدواند. حامیان بلر دلیل شکست جنگ عراق را مدیریت پس از حمله که به رهبری آمریکا انجام شد، می‌دانند. استنلی می‌گوید بلر در این کتاب می‌خواهد به نصایح‌اش گوش کنیم تا بفهمیم چگونه باید یک کشور را اداره کرد اما به‌سختی می‌توان این موضوع را نادیده گرفت که چندین کشور در این روند نابود شده‌اند.

بلر در کتاب خود از نواختن گیتار و دوره‌می با

# شیرور یا قهرمان

بررسی جایگاه سیاسی کنونی تونی بلر  
و کتاب جدید او  
«درباره رهبری: درس‌هایی برای قرن ۲۱»

درباره  
سیاستمدار

عکس: Tony Blair Institute for Global Change

استنلی فکر می‌کند دیدگاه سومی هم وجود دارد. بلر محصول زمانه‌اش است و شاید بتوان او را به بیل کلینتون شبیه دانست که اصولش، بی‌اصولی بود که در برخی موارد می‌توانست به اعمال سیاست‌های خوب منجر شود. بلر در بخشی از کتاب درباره اهمیت تمایل به تغییر کامل ذهنیت خود اشاره می‌کند، زمانی که برای اولین بار نخست‌وزیر شد، دولت او اساساً پول بیشتری خرج کرد که در حقیقت همان کاری است که استارمر انجام داده. استارمر با اتحادیه‌ها به توافق رسید و دستمزدها را افزایش داد؛ اقدامی که خیلی سریع نشان داد منجر به افزایش تولید نشده است. سپس به روش‌های کاملاً متضاد روی آورد که افزایش هزینه عملکردمحور بود مبنی بر اینکه اگر دولت قرار است بیشتر هزینه کند پس مردم باید کار مشخصی را انجام دهند و علاوه بر آن بخش خصوصی هم باید وارد شود. به گفته استنلی پس در فقدان هیچ نوع ایدئولوژی بلر توانست سیاست غیرمنتظره‌ای را اجرا کند که مشکلات را حل کند. استنلی می‌گوید این‌ها اتفاقاتی بود که در زمان بلر رخ داد. مشکل میراث بلر این است که سیاستمداران بسیاری تلاش کردند راه او را پیش بگیرند و این تلاش‌ها را بدون داشتن معجزه بلر انجام دادند. استنلی هم معتقد است با اینکه بلر سیاستمدار فاجعه‌باری بود اما می‌تواند شنونده و حتی خواننده را به‌خود جلب کند. استنلی، بلر را مردی باهوش و کاریزما تیک می‌داند و می‌گوید مشکل اینجاست که سیاستمداران جانشین او تلاش می‌کردند تا سبک تقریباً بی‌اصول او را دنبال کنند؛ بدون اینکه خصوصیات اخلاقی او را داشته باشند. نتیجه آن هم می‌شود دیوید کامرون. استنلی می‌گوید محافظه‌کاران نمی‌توانند از بلر تقلید کنند چون فلسفه یکپارچه‌ای وجود ندارد بنابراین فقط سبکی از سیاست‌ورزی را تقلید می‌کنند.

## تفاوت بلر و استارمر

به گزارش بی‌بی‌سی، سر تونی بلر با اینکه ۱۷ سال است خانه شماره ۱۰ ترنک کرده اما هنوز فکر می‌کند به همان اندازه دوران صدارتش آموخته‌های بسیاری داشته است. یکی از نگرش‌های کلیدی از تحولات «اقتصاد رفتاری» و «علوم اعصاب» یا نوروساینس در ۲۰ سال گذشته، میزانی است که تعصب‌ها و تجربه‌های ما، ادراک ما از اطلاعات تازه را شکل می‌دهند. حتی زمانی

دوستانش می‌گویند و مثل دفترچه خاطرات یک نوجوان در متن خود از حروف بزرگ استفاده می‌کند. حامیان بلر معتقدند که خردورزی او تحت‌تأثیر زندگی میلیاردری‌اش قرار نگرفته است. جهان بلر شبیه جهان ایلان ماسک و پیتر تیل (سرمایه‌گذار آمریکایی و یکی از بنیانگذاران پی‌پل، سامانه پرداخت آنلاین) است که همانطور که بلر می‌گوید «رویکرد مسیحایی» نسبت به مسائل دارند. حامیان بلر او را نخست‌وزیر خوبی می‌دانند که در سه دوره از انتخابات پیروز شده بود. کمال احمد، یکی از مجری‌های برنامه پادکست دیلی تلگراف و از حامیان بلر می‌گوید، احساس راست‌گرایان نسبت به بلر و موفقیت‌هایش مثل حس چپ‌گرایان به مارگاریت تاچر است. احمد، تاچر را سیاستمداری می‌داند که در عمیقی از مشکلات بریتانیا داشت، می‌دانست برای حل مشکلات چه اقداماتی باید انجام دهد و هم خود و هم مشاوران تاچر وزنه و نفوذ فکری لازم را داشتند که در نتیجه شباهت او را به بلر نزدیک‌تر می‌کند. بلر عملیات قدرتمندی در خانه شماره ۱۰ انجام داد و افرادی مثل آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس معروف بریتانیایی و همچنین فیلیپ گولد، مشاور سیاسی را در کنار خود داشت که نیاز به همستگی دوباره طبقه کارگر با طبقه متوسط را می‌دیدند. بلر این موضوع را القا می‌کند که اگر به‌جای کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر شده بود در دو سه ماه اول صدارتش تلاش می‌کرد نظر راست‌گرایان را جلب کند.

اما منتقدان بلر می‌گویند او امروز نامحسوب‌ترین سیاستمدار تاریخ بریتانیاست. کامیلا تامپینی، مجری دیگر پادکست دیلی تلگراف که از منتقدان بلر است او را سیاستمدار خوبی مثل تاچر می‌داند اما می‌گوید بلر ذره‌ای از صداقت تاچر را نداشت. تامپینی می‌گوید بلر کسی بود که تظاهر می‌کرد از حزب کارگر است اما در واقعیت بیشتر محافظه‌کار بود. تامپینی، بلر را سیاستمداری مقتدر می‌داند که در عراق، جنگ راه می‌اندازد و بعد سبک خود را به «فرستاده صلح در خاورمیانه» تغییر می‌دهد. او قرار بود چپ‌گرای بزرگی باشد اما از املاک گسترده خود درآمدزایی می‌کند و حالا هم خود را نابغه‌ای نشان می‌دهد که جهان باید به‌خاطر تأثیرگذاری‌هایش از او تشکر کند. به‌گفته تامپینی در نبود رهبر حتی متوسط، اگر سیاستمدار موفق‌ی از حزب کارگر باشی نمی‌توانی بالاتر از تاچر قرار بگیری؛ سیاستمداری که در واقعیت تحول‌آفرین بود و میراث متفاوتی را از خود به‌جای گذاشت.

بلر روابط خود را با استارمر تقویت کرده و خیلی بی‌سروصدا جایگاه سیاستمدار پیشکسوت را پذیرفته است. در داخل حزب کارگر، بلر به‌عنوان سخنوری ماهر و استارمر با کاریزمای کمتر شناخته می‌شوند. پس از هشدارهای استارمر که میراث اقتصادی که از متصدیان سابق محافظه‌کار به‌جای مانده به‌معنای انتخاب‌های سخت است، برخی از منتقدان به دنبال مقداری از انرژی بلر می‌گردند

